

به بهانه هشتم مارچ روز جهانی زن

در آغاز سخن، نخست میخوام اینروز پرارج تاریخی را بهمه زنان قهرمان و رنج کشیده میهن زیبایم بهرجاییکه اند، چه داخل میهن و چه خارج از آن، از اعماق قلب و خلوص نیت تبریک بگویم و بعداً " اینروز مبارک را نیز از طریق آنها بسایر زنان مبارز و بلا کشیده ای جهان شادباش و مبارک باد عرض بدارم و باین اساس هم مبارزات برحق و خستگی ناپذیر شانرا بخاطر تساوی حقوق شان بامردان، در همه عرصه های زنده گی مادی و معنوی آرزو میبرم .

تاریخ هشتم مارچ به عنوان روز جهانی زن بخاطر زنان کارگر نساجی در سال ۱۸۷۵ در نیویارک ایالت متحده امریکا پیوند میخورد و بعداً در اروپا در دومین کنفرانس سوسیالیستی بین المللی زنان که در آن صد شرکت کننده از ۱۷ کشور جهان اشتراک داشتند به پیشنهاد کلارا زتکین در ۲۷ آگست سال ۱۹۱۰ در کپنهاگ روز هشتم مارچ به عنوان روز زن و برای دفاع از حقوق زنان و مبارزه علیه تبعیضات مختلف برگزیده شد.

هشتم مارچ، روز جهانی زن، که در سطح جهانی از آن تجلیل بعمل میآید، در وطن ما هم که متأسفانه حضور قوای ناتو حق خود ارادیت مردمان شریف، صدیق، غیور و آزاده ای مارا "تحت پوشش و حمایه" از استقلال سیاسی و ایجاد دیموکراسی بخطر انداخته است، از این روز در شرایطی تجلیل خواهد شد که هنوز هم مناسبات فیودالی و حتی ماقبل فیودالی در آن بمشاهده میرسد و نفوذ استعمار و استثمار امپریالیزم کهنه کار و عصر حاضر عملاً " بآن پیوند خورده است و وجود دارد.

زنان قهرمان را که در واقعیت امر مادران اند و به اصطلاح در عالم اسباب زاینده گان پیامبران، فیلسوفان، مکتشفین، مخترعین، امپراتورها، سلاطین، علامه ها، مولوی ها، علما، روحانیون، نویسندگان، شعرا، ادبا، قهرمانان، رزمندگان و جهان کشایان و غیره بشمار میروند، آیا میشود به این موجود زیبای طبیعت و جوامع بشری، کلامی در خور ستایش و توصیف آفرید و آنانرا ستود ؟

افسوس که زنان، این والاگهران جوامع بشری را انسانهای فاقد علم و دانش یعنی فرزندان ناخلف در جوامع مبتنی بر ظلم و استبداد و قانون شکنیها با پیروی از عادات و رسوم کهنه و ناپسند، عقاید دینی و مذهبی و قوانین ارتجاعی، سزاوار چی ها بود که ندانستند! لت و کوبها، طلاقهای اجباری، بکارهای شاقه گماشتن، حق آزادی آنها را سلب کردن، از حق و نعمت تحصیل محروم کردن، زوجه های متعدد غیرقانونی در قید نکاح آوردن، زنده به آتش انداختن، بسر و صورت شان تیزاب انداختن، دید و لذت بردن از آفرینشهای زیبای طبیعت را که خداوند متعال و توانا حق هر موجود زنده ای دانسته و به خصوص به انسانها این اشرف مخلوقات آنرا از لطف و کرمش ارزانی داشته و رجحان داده در زیر چتر سیاه چادریها، دلاقتها و چادر نمازها و غیره روز شانرا به شب تار مبدل داشتن. آری! اینهاست تحفه های گرانبها به این خلقت زیبای طبیعت.

هرگاه بتاریخ بشر، به هر دوره ای از زیست نظر اندازی شود به انواع مختلفی از این نوع مظالم اجتماعی و انسانی در حق زن بنابر خصلت مرد سالای و خصلت طبقاتی و استفاده از فرهنگ و کلتور، رسوم و عادات ناپسندیده، عقاید و سنن دینی و مذهبی و قوانین ارتجاعی برخوردارهایی صورت گرفته که اکثراً " بقیمت جان میلیون ها میلیون از زنان در مقیاس جهانی انجامیده است و تاریخ هر کشور و هر سرزمینی بر این گواه است. همچنان جعلیات این گفته ها که زن موجود ناقص العقل میباشد، زنان بجز وظایف بوجود آوردن فرزندان و اطفال و اشتغال داشتن در امور منزل و خانه داری، دوزنده گی و آشپزی، زیننده بکارهای دیگری نیستند، زن از قبر غه ای چپ مردان بوجود آمده آند، مردان به زنان باید چیره باشند و غیره و غیره در هر فرهنگی به وضاحت دیده شده است. حتی در ازمنه های خیلی قدیم یعنی تاریخ مصر قدیم بنام عروس نیل رسمی وجود داشت که در زمان طغیانی شدن رود نیل، زنی را چون عروس می آراستند و تحفه نیل گفته زنده برود نیل می انداختند. همچنان در سرزمین پهناور هند هم رسمی وجود داشت که چون شوهری از جهان رخت سفر میبست آنگاه زنش را در پهلوی شوهر زنده بآتش میسوختانند و این رویه را شاعری، وفای زن گفته بطور زیبا و دلنشین چنین بیان داشته است.

در طریق عشق بازی کم ز هندو زن مباش کز فراق مرده، زنده سوزد جان خویشرا

در جامعه مردسالاری میهن ما که در آن نفوذ جنگسالاران و راستگرایان بنیادی به وضاحت دیده میشود این تنظیمهای جهادی، در پهلوی همه چور و چپاولها، آتش سوزیها قتل و قتالها و غارت داراییهای عامه و شخصی، به زنان غیور و با

عصمت نیز تحاوزات جنسی نموده که تاریخ ملت افغان و جهان کمتر بمثل آن تجربه کرده است.

بخصوص دوره طالبان بشکل افراطی در برخورد با امور دولرداری و طور اخص به امور زنان عمل نموده و قواعد و قوانینی را تسجیل و بصحنه اجرا گذاشتند که بمشکل میتوان نمودی از آنها را در جای دیگری سراغ نمود.

برای اثبات قول، در ذیل میخوایم یکی از مواد مندرج مقرره تنظیم اجراءات وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر منتشره جریده رسمی را که به اساس فرمان ۱۲۹۸ مقام امارت اسلامی افغانستان در دور طالبان در مورد انفاذ ضمیمه شماره یکم مقرره تنظیم اجراءات وزارت مذکور نافذ شده بود بنگارم.

فصل دوم، ماده چهارم:

بند (۱) - هر زنیکه با روی برهنه، بی حجاب و یا هم بدون چادری از منزل بیرون شود منزلش را نشانی نموده و برای شوهرش جزای لازم بدهد. یا زنها با نظر داشت حالت جابجا تهدید نماید. هرگاه زن ذکر شده از وسایط نقلیه در حالت انتقال دیده شود دریور را نیز با نظر داشت حالت از یک الی پنج یوم حبس نماید.

اکنون شاهدیم که با گذشت زمان، زنان در پروسه تکامل تاریخ با وجود تحمل اعمال شاقه و ناگوار قتل و قتال، تجاوزات جنسی، به سلول زندانها سپری کردن و یا بکشورهای اجنبی تبعید شدن، به پختگی سیاسی رسیده و با دانش انقلابی اراسته گردیده و به جنبش دادخواهانه ای شان به مقیاس ملی و بین المللی ادامه داده و روز تا روز با هم متحد تر و نزدیکتر میگردند.

همچنانکه در تاریخ بشر قیام برده ها به رهبری اسپارتاکوس اولین قیام زنجیر شکن برده داری علیه نیروی عظیم و مجهز رومن ها بشمار میرود و از لحاظ کمیت و کیفیت غیر قابل مقایسه و محاسبه هم بود ولی تاریخ مبارزت ضد برده داری و غلامی را پایه گذاری و اساس گذاشت، بهمین طور زنان قهرمان و مبارز در گوشه و کنار جهان به پا خواسته و بدفاع از تامین حقوق مساوی نه تنها برای خود بلکه بدفاع از حقوق هممنوع شان نیز به تلاشهای خستگی ناپذیر پرداختند و تا آخرین رمق حیات رزمیدند و یوغ و زنجیراسارتها را از دستها و پاها و گردنهای شان گسسته و بدور انداختند و موقف خودها را بحیث موجود آگاه و بیدار در جایگاه مردسالاری تثبیت نمودند و سهم مساوی شانرا در همه امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی باثبات رسانیدند.

امروز به اثر تلاشها، خود گذریها و دادن هزاران نوع قربانی توسط زنان مبارز نه تنها این جنبش رهایی بخش زنان از قید مظالم اجتماعی به محور و پایگاه مطمئن دفاع

از حقوق زن چه در مقیاس ملی و چه مقیاس بین المللی تبدیل شده است، بلکه پیامد های آن طور واضح قابل درک و لمس نیز میباشد.

در ذیل طور خیلی فشرده، به اصطلاح مشت نمونه ای خروار گفته، با حفظ مقام والا و نقش همه زنان مبارز و دلیر دیگر میهنم در تمام عرصه ها که صفحات انترنتی و دگر نشرات و وسایل ارتباط جمعی و فردی داخل میهن و خارج آن از نشر مقالات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اشعار شان و همچنان نشرات رادیویی و تلویزیونی پر بار و بزینت میباشد، فقط اسمای یکعده زنان برجسته و نامداری را از سطح ملی گرفته تا مقیاس بین المللی تذکر میدهم که به یقین نتایج کار و زحمات شان و تلاشهای شان با پیوند با دیگر زنان و همزمان شان بخاطر احیا و کسب تساوی حقوق بین زن و مرد مثالی برای سایر زنان دلیر، شجاع و داغدیده باشد و هم درس خوبی برای کهنه پسندان و جابران جوامع که سد پیشرفت جنبش زنان به ذرایع مختلف و با استفاده از زر و زور، مذهب، رسوم و عنعنات کهنه و قدرت سیاسی گردیده اند.

۱- دکتورس اناهیتا (ناهد) راتب زاد یک شخصیت برآزنده و سرشناس در بین زنان میهن محبوب ما بوده که فریاد عدالتخواهانه ای شان بخاطر جنبش رهایی بخش زنانی پردرد و بلاکشیده ای وطن از قید زنجیر غلامی جامعه مردسالاری افغانستان و بخاطر تساوی حقوق و کسب آزادی و سهم فعال آنها در همه امور اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، از زمان جنبش زنان افغان در حمایت از حقوق زن، از دوران محصلی تا دور فراغت شان از فاکولته طب پوهنتون کابل در سال ۱۹۶۳ و دوره وکالت شان در ولسی جرگه در سال ۱۹۶۵ و بعد از آن طور پیگیر بگوش هم میهنان صدیق و مبارز کشور ما آشنا میباشد. ایشان در دوره وکالت بخاطر فریاد و انتقاد شان از نظام فرتوت شاهی و مردسالاری جامعه ای افغانی مورد خشم دسته های راستگرای مذهبی و عناصر وابسته به دربار سلطنتی مورد ضرب و جرح قرار گرفته و به شفاخانه بستر شدند. محترمه دکتورس اناهیتا راتب زاد در اکتوبر ۱۹۳۱ عیسوی در گلدره ولایت کابل در یک فامیل روشنفکر دیده به جهان کشودند. پدر شان احمد راتب، نویسنده و در جنبش جوانان افغان سهیم بودند.

دکتورس اناهیتا راتب زاد بحیث یک زن مبارز و آگاه وطن بخاطر نجات زنان در سال ۱۹۶۶ برای اولین بار سازمان دیموکراتیک زنان افغانستان را بنیاد گذاشت و تا اواسط سالهای ۱۹۸۰ آنرا رهبری نمود. روز هشتم مارچ یعنی روز جهانی زن برای اولین بار در سال ۱۹۶۹ در وطن ما افغانستان عزیز تجلیل شد. دکتورس اناهیتا راتب زاد در سال ۱۹۶۸ به عضویت کمیته مرکزی ح. د. خ. ا. (جناح پرچم) درآمد. وی بحیث یک زن مبارز پیگیر، خاصاً "بخاطر رهایی زنان میهن، زحمات زیادی را متقبل شد و مقالات و مضامین شان بیشتر بخاطر بهبود وضع اجتماعی زنان و تأمین شرایط درست حفظ الصحوی آنان بود. محترمه اناهیتا راتب زاد در حیات سیاسی و امور دولتی شرکت فعال داشتند و پُستهای چون عضویت کمیته مرکزی ح. د. خ. ا. ،

عضویت بیرونی سیاسی ح. د. خ. ا. ، عضو هیئت ریسه شورای انقلابی دولت جمهوری دیموکراتیک افغانستان، وزیر امور اجتماعی، وزیر معارف سفیر یوگوسلاویا و غیره را اشتغال داشتند. محترمه دکتورس اناهیتا در جمع حلقات مترقی اجتماعی و سیاسی جهان بحیث یک شخصیت فعال یونسکو، شورای جهانی صلح و سازمان همبستگی آسیا و افریقا از شهرت وسیعی برخوردار بودند. بالاخره محترمه دکتورس اناهیتا راتب زاد در سال ۱۹۸۶ از رهبری سازمان دموکراتیک زنان افغانستان سبکدوس گردیده و بهمین ترتیب در پلینوم ۱۸ کمیته مرکزی از عضویت کمیته مرکزی و متعاقباً از تمامی پستهای حربی و دولتی سبکدوش گردیدند. دکتورس اناهیتا راتبزاد دارای سه فرزند، یک دختر و دو پسر بوده و در یکی از شهرهای کشور المان زنده گی دارند.

۲- **ملالی جویا** در ۲۶ ثور ۱۳۵۷ در ولایت فراه، یکی از ولایات افغانستان تولد یافته و یکی از جوانترین اعضای پارلمان "ولسی جرگه" میباشد. وی در سخنرانی ایکه در آن پارلمان نمود، اعضای پارلمان را ترکیبی از بنیادگرایان و جنگسالاران جهادی دانسته مورد خشم اعضای پارلمان قرار گرفت و موصوفه را زنی اهانت کننده ، ملحد و کمونست گفته و خواهان اخراجش از عضویت پارلمان شدند.

روزنامه واشنگتن پست تحت عنوانی "صدای افغانی که ترس و وحشت خاموشش نخواهد کرد" نوشت: "راستکاری جویا در این است که از نگاه او به جنگ سالاران نباید اجازه داده شود که خود را در زیر نقاب دموکراسی پنهان نموده و به کرسیهای خود بچسبند و بقیمت مردم غریب و پابرهنه و بینوا به دنبال منافع زیان آور خود باشند.

وی همچنان بتاريخ ۳۱ جنوری ۲۰۰۷ به تعقیب تصویب طرح "مصالحه ملی" در پارلمان که بر اساس آن تمامی متهمین جنایات جنگی طی دو دهه اخیر از تعقیب قانونی معافیت حاصل مینمایند، جویا جلسات پارلمان را تحریم کرد و با اعتراض شدید آنرا "خیانت ملی" خواند. ملالی جویا را بتاريخ ۲۱ می ۲۰۰۷ پارلمان افغانستان با اکثریت آرا برای سه سال به حالت تعلیق درآورد و بجرم اهانت به پارلمان که آنرا طی مصاحبه ای بدتر از "طویله" و به جز چند تن محدود جولانگه ازدها خوانده بود به محکمه راجع ساخته و ممنوع الخروج اعلام نمود. به اساس تعلیق جویا از عضویت پارلمان، تظاهراتی در شهرهای جلال آباد، کابل، تخار، هرات و بغلان صورت گرفت و از اخراج مذکوره از پارلمان اعتراض نمودند.

ملالی جویا بحیث یکتا از مدافعین حقوق بشر و مدافع حقوق زنان بتاريخ ۲۳ جولای ۲۰۰۷ معتبرترین نشان را که بنام (گل طلایی) یاد میشود از طرف دولت ایتالیا به دست آورده است. او همچنان به دریافت چندین جایزه بین المللی دیگر نیز نایل شده است.

۳- **شکریه بارکزی** - محترمه شکریه بارکزی بنت مرحوم شمس الدین بارکزی در سال ۱۳۵۱ هجری شمسی در شهر کابل تولد یافته است. موصوفه متاهل و دارای سه دختر میباشد. شکریه بارکزی تحصیلاتش را در پوهنتون کابل و در سال ۲۰۰۶ در پوهنتون ویست منستر لندن ادامه داده است. نامبره بحیث یکتن از زنان مبارز کشور بخاطر تساوی حقوق زنان سعی و تلاشهای زیادی نموده و بحیث عضو کمیسیون تدوین قانون اساسی و عضو لویه جرگه قانون اساسی و رییس گروه سیاسی خط سوم پارلمانی میباشد.

محترمه شکریه، بحیث مدیرمسول هفته نامه آیینۀ زن، مؤسس انجمن زنان ژورنالیست و رییس انجمن خدمات زنان آسیا و فعلاً "صاحب امتیاز هفته نامه ترقی" میباشد.

محترمه شکریه بارکزی یکتن از زنان مدافع حقوق زنان در کشور محسوب شده و به حیث رییس گروه سیاسی خط سوم پارلمانی اعمال جنایتکارانه پاشیدن تیزاب بالای شاگردان لیسه دخترانه میرویس نیکه در ولایت قندهار را عمل غیرانسانی و غیرافغانی دانسته و اظهار داشته اند "اینکار نشان دهنده آنست که مخالفین قشر زن به هرکار غیرانسانی تن میدهند، از کشتن و حلال کردن زنان گرفته تا تیزاب پاشی و میخوانند مانع تعلیم آنان شوند. بگفته بارکزی این حرکت منفی هیچگاهی جلو رشد و ترقی زنان در افغانستان را گرفته نمیتواند.

محترمه شکریه بارکزی بدریافت تقدیرنامه ها و جوایز زیادی نایل شده و همچنان از طرف دولت ایتالیا برنده معتبرترین جایزه ایتالیا که **(گل طلایی)** نام دارد در ۲۳ جولای ۲۰۰۷ شناخته شده است.

۴- **مینا** - این زن مبارز و بانی جمعیت انقلابی زنان افغانستان بتاريخ ۲۷ فبروری ۱۹۵۶ در کابل تولد شده و تحصیلاتش را بخاطر مبارزه علیه فساد و مظالم اجتماعی و بخاطر تامین حقوق زنان میهن ترک نموده و بحیث یک مبارز و شخصیت سیاسی اساس راوا (جمعیت انقلابی زنان افغانستان) را در سال ۱۳۵۶ بخاطر بسیج و تحقق خواسته ها و آرمانهای شان بنا نهاد. مینای شهید اساس و بنای جمعیت انقلابی زنان را متوجه شکنجه های روحی و جسمانی زنان میهن که از طرف نافذین قدرت بالای آنها تحمیل میشد نموده و بخاطر تحقق آن سعی و تلاش زیاد بخرج داد و صدها مارشها و میتنگها را براه انداخته و سخنرانی های زیادی در عرصه های ملی و بین المللی نموده است. وی بخاطر انسجام فعالیتهای جمعیت انقلابی زنان ارگان نشراتی ایرا که به پیام زن مثنی میباشد در شهر کابل در سال ۱۹۵۹ به نشر رسانید که اهداف عمده این نشریه را جنبش مبارزات ضد روسی و اعمال خرابکارانه و تروریزم لجام گسیخته بنیادگرایان اسلامی تشکیل میداد. بعدها نظر به اختناق اوضاع وقت، راوا بخشی از

فعالیت‌هایش را به پاکستان انتقال داد و به تشکیل مکاتب، شفاخانه‌ها، کورسهای نرسنگ، کورسهای سوادآموزی برای زنان و سایر فعالیت‌ها پرداخت.

مینا از ماهیت پلید بنیادگرایان بخوبی آگاهی داشت. او یکسال قبل از شهادت‌ش پیش‌گویی کرده بود که اگر بنیادگرایان در افغانستان بقدرت برسند، افغانستان بیک مرکز بیدادگریها و قتل و قاتل و غارتگریها مبدل خواهد شد. بالاخره این زن مبارز در سال ۱۹۸۷ توسط باند گلب‌الدین حکمتیار به شهادت رسید.

۵- زینب فواز- پیشگام نهضت زنان در جهان اسلام است که در زمانش زنان هیچ حقی نداشتند. وی نخستین زن مسلمان عرب بود که توانمندان و با بلاغت و وضاحت کلام و نوشتار خود، خواهان حقوق زن و ارتقای سطح علمی و موقعیت اجتماعی زنان شد.

"فواز" نویسنده‌ای روشنفکر، ادیب، دلیر و شاعر نوپرداز و بدیعه‌سرا بود. وی از اهالی جبل‌عامل، شهر تبنین در مصر بود که در بین سالهای ۱۸۶۰-۱۹۱۴ میزیست.

۶- ایندیرا گاندی. ایندیرا گاندی دختر جواهر لعل نهرو صدراعظم اسبق هندوستان که یکتن از مبارزان سرسخت راه آزادی و استقلال هند از کنگره ملی هند بود در ۱۹ نوامبر ۱۹۱۷ در الله‌آباد هند متولد شد. میرمن گاندی یکی از برجسته‌ترین و بحث‌انگیزترین رهبران هند بود که در عرصه ملی و جهانی بحیث یک زن سیاستمدار از محبوبیت خاص برخوردار بود. ایندیرا از ۱۹ ژانویه ۱۹۶۶ تا ۲۴ مارس ۱۹۷۷ و از ۱۴ ژانویه ۱۹۸۰ تا روز ترورش در ۳۱ اکتوبر ۱۹۸۴ نخست‌وزیر هند بود.

ایندیرا در کالج‌های پونه و سانتی نی‌کتان تحصیل کرد و سپس برای تکمیل تحصیلات عالی به دانشگاه اکسفورد انگلستان رفت. ایندیرا گاندی در سال ۱۹۴۲ با مردی بنام فیروز گاندی که هیچ نسبتی هم با مهاتما گاندی رهبر اسطوره‌ای استقلال هند نداشت ازدواج نمود. فیروز گاندی در سال ۱۹۴۶ درگذشت و دو پسر بنامهای راجیو و سانجیو یادگار گذاشت. هند در سال ۱۹۴۷ استقلال خود را از انگلستان حاصل نمود. باید علاوه کرد که ایندیرا گاندی به علاوه اینکه دوبار صدراعظم هند بود پُستهای دیگری چون وزیر انرژی اتمی، وزیر امور الکترونیک، وزیر اطلاعات و رادیو و بحیث وزیر هواشناسی نیز انجام وظیفه نموده است.

۷- خانم پولیا تیموشنکو- زیباترین زن سیاستمدار جهان، نخست‌وزیر اوکراین که به ژاندارک اوکراین (لقبی که غربی‌ها به او داده‌اند. تکیه از مسوول سایت) مشهور است و بزحمت زیادی به جایگاه فعلی‌اش رسیده است. وی به زحمت زیادی به جایگاه فعلی‌اش رسیده است. در سال ۱۹۶۰ میلادی تولد گردیده. او در سال ۱۹۹۶

بدلیل مخالفت با رییس جمهور وقت از کابینه اخراج می‌گردد و اما امروز او هست که تشکیل کابینه میدهد.

۸- شیرین عبادی - برندهٔ (جایزه صلح نوبل) متولد سال ۱۳۲۶ یک حقوقدان ایرانی، قاضی سابق داد گاه و نخستین ایرانی است که جایزهٔ صلح را در سال ۲۰۰۳ میلادی دریافت کرده است.

۹- بسیمون دوبوار را روشنفکران جهان، بزرگترین روشنفکر قرن بیستم میدانند. وی بتاريخ ۹ ژانویه در کشور فرانسه در شهر پاریس در یک خانوادهٔ کاتولیک بدنیا آمد و در سن ۱۷ سالگی موفق به اخذ دیپلوم از یک مدرسهٔ کاتولیک شد و همزمان در رشته ای ادبیات و ریاضی ادامه تحصیل نمود. در سال ۱۹۲۶ از رشتهٔ فلسفه فارغ التحصیل شد.

وی در شهرهای متعدد از جمله پاریس، روین و مارسی به تدریس فلسفه پرداخت و تا سال ۱۹۴۳ همچنان بتدریس مشغول بود. اولین کتابش بنام "دعوت" در سال ۱۹۴۳ چاپ شد که بعد از چهار سال او را مشهور و سرشناس نمود. او در طی این سالها جهت شرکت در کنفرانسهای مختلف و ایراد سخنرانی، بکشورهای متعدد از جمله افریقا و تقریبا همه کشورهای اروپایی، چین، کوبا، امریکا و برازیل مسافرت نمود. وی سپس کتاب جنس دوم را جهت دفاع از حقوق زنان به رشتهٔ تحریر درآورد که آوازه آن به اکثر نقاط جهان رسید و در سال ۱۹۵۴ این کتاب جایزهٔ جهانی گرفت و بسیار کتابها و مقالات نوشت و سرانجام در اپریل ۱۹۸۶ وفات کرد. وی تا وقت وفات از جنبشهای آزادیخواهانه دفاع میکرد.

۱۰- وانگاری مایاتی نخستین زن افریقایی است که این جایزهٔ بین المللی را که تقریبا یک قرن از اعطای آن میگذرد بدست آورده است. این زن افریقایی یکی از فعالترین زنان قارهٔ افریقا در بخش حقوق بشر و محیط زیست میاشد. او همچنان اولین زن افریقایی است که سند دکتورا را در رشته علم بیولوژی بدست دارد.

۱۱- نینا سیمون - خواننده ای زن سیاهپوست امریکایی از معروفترین خواننده گان موسیقی جاز معاصر جهان است. او در سال ۱۹۳۳ در کارولینای شمالی در امریکا تولد شد و در سن ۷۰ سالگی در فرانسه درگذشت. شهرت او صرفا بخاطر صدای فوق العاده و مهارت زیاد و فوق العاده اش در نواختن پیانو نبوده، بلکه هم بخاطر این بوده است که او از مبارزین سرسخت و خستگی ناپذیر علیه تبعیض نژادی در امریکا بوده است.

چون تعداد زنان قهرمان و مبارز چه در عرصه ملی و چه بین المللی یک نه، دو نه بلکه بهزاران هزار میرسند، مشکل بنظر میرسد تا در این بحث مختصر حتی از یک فیصدی و کمیت کم آن نام برد. لذا در اخیر من امیدوارم که زنان قهرمان، راستین و مدافع واقعی حقوق زنان، مادران، دختران و بیوه زنان، اطفال و یتیمان در سنگرهای نبرد بر علیه ارتجاع و کهنه پسندان و نظام مردسالاری برزمنند و امید و باور قوی داشته باشند که برادران مبارز شان و سایر جوانان و هموطنان واقعا "میهن دوست و خواهان صلح، ترقی و دموکراسی در یک افغانستان آزاد، مستقل و سربلند در کنار شان خواهند بود.

سربلند و جاوید باد زنان مترقی و پیشگام وطن محبوب ما افغانستان.

نوت: در تذکرات این بحث مختصر راجع به هشتم مارچ، در بخش بیوگرافی مختصر زنان از صفحات انترنتی استفاده شده و خصوصا" در بخش بیوگرافی محترمه دکتورس اناهیٹا راتبزاد از گذارش محترم فضلی یکتن از مسولین پرتلاش سایت وزین اصالت سود برده شده است.